

### متن پرسش

سلام استاد: خوب هستید استاد! دلگیرم، دارم خفه میشم، به هر دری می‌زنم بسته است. میدونم حکمتی داره، میدونم اینا میگذره، میدونم ما برای جای دیگه ای ساخته شدیم کل نامه ۳۱ نهج البلاغه رو خوندم بهش فکر کردم و می‌کنم ولی یه حس دلتنگی البته (دنیاپی و آخرتی) هنوز من رو اذیت میکنه. متوسل میشم به اهل بیت (ع) باز آرام تر میشم ولی باز هست. با خدا خلوت می‌کنم، همیشه با زبون خودمونی میگم خدایا غلط کردم میدونم خطا کردم ولی خدایا بدادم برس. گریه می‌کنم. اون قدر گریه می‌کنم و دلم می‌گیره که خجالت می‌کشم توصیفش کنم. من هیچ کس رو غیر خدا و اهل بیت ندارم ولی نمیدونم چرا اینقد اذیت میشم. لطفا راهنماییم کنید یه بر نامه بهم بدین یه مدتی باهاش جلو برم تا خودم رو جمع و جور کنم خدا روز قیامت دلتون رو آرام کنه استاد! بی صبرانه منتظر جوابتونم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: گویا این قصه این زمانه است که انسان می‌خواهد از زندگی معمولی به زندگی گسترده‌تری سیر کند. در این رابطه است که باید با تعمق بیشتر به معارف رجوع کرد و این‌جا بود که حضرت امام خمینی علاوه بر طرح تفسیر سوره «حمد» در تلویزیون، حتی در نامه خود به گورباچف، جناب صدرا و ابن عربی را مطرح فرمودند. پیشنهاد بنده آن است که جوانان در این زمانه نباید از معارف صدراپی مثل «معرفت نفس» و «برهان صدیقین» غفلت کنند. موفق باشید